کتاب «پیش‌درآمدی نظری بر نقد تاریخ‌نگاری درباره زنان: با نگاهی به آثار تاریخ‌نگارانه درباره زنان در ایران» تالیف سارا موسوی از سوی انتشارات گل‌آذین منتشر شد. داریوش رحمانیان، استاد تاریخ دانشگاه تهران بر این کتاب مقدمه نوشته است.  
تاریخ‌نویسی درباره زنان و تاریخ‌نویسی زنان هر دو پدیده‌هایی مدرن و نوظهورند. روند پیدایش و گسترش این پدیده‌ها متأخر است بر روند پیدایش و گسترش «مسئله زن» و «جنبش حقوق زنان». در نظام تعلیم و تربیت قدیم معرفت تاریخ به عنوان ماده درسی و آموزشی جایی نداشت. در فکر و فرهنگ و تمدن قدیم نیز با مسئله‌ای به نام «مسئله زن» برخورد نمی‌کنیم. نقش سیاسی و اجتماعی زن و حق و حقوق زن و مفهوم زن بودن و زنانگی، در دوران قدیم جایی نداشت.  
تاریخ‌نگاری درباره زنان چه جایگاهی در سنت مطالعات تاریخی در ایران دارد؟ آیا می‌توان از منطق و عقلانیت حاکم بر تاریخ‌نگاری درباره زنان در ایران سخن گفت؟ آیا تاریخ‌نگاری درباره زنان توانسته است فهم تاریخی ما را دگرگون سازد؟ طرح چنین سؤالاتی تمهیدی است برای نگریستن به «تاریخ‌نگاری» به مثابه معرفتی که در سامان‌بخشی به وضعیت اکنون، نقشی مداخله‌گر و مشارکت‌جو بر عهده دارد و خود نیز از آن متأثر است.  
به لحاظ تاریخی، خاستگاه تاریخ‌نگاری درباره زنان به جنبش‌های اجتماعی در غرب بازمی‌گردد. در این جنبش‌ها پرسش از مسئله زنان به گونه‌ای جدی مطرح شد و هم‌زمان با آن، زنان به مثابه موضوع، وارد عرصه تاریخ‌نگاری شدند. مسئله زنان در تاریخ‌پژوهی، نه‌تنها از همان آغاز از سوی گروه‌های مختلف و به اشکال گوناگون صورت‌بندی شد؛ بلکه تحولات معرفت‌شناختی در رشته تاریخ نیز آن را دستخوش دگرگونی‌های بسیاری کرد.  
آغاز عصر نوگرایی و تجددطلبی در ایران عصر قاجاریه را می‌توان چنان وهله‌ای تاریخی دانست که در آن «دیگری»ای به نام زن فرنگی در برابر «زن خودی» سربرآورد و بسیاری از انگاره‌های دیرآشنا درباره زنان را با تردیدهای جدی مواجه کرد. از این‌رو شکل‌گیری آنچه به نام مسئله زنان در تاریخ ایران شناخته می‌شود، برآیند قرن سیزدهم قمری است و سابقه آن به پیش از این تاریخ بازنمی‌گردد.  
در پاره‌ای از منابع و متون قدیم، شماری از زنان برجسته و نامدار جایی ویژه و مستقل در ذیل روایت احوال مردان یافته‌اند اما این موارد خاص و استثنایی را نیز نمی‌توان با جریان تاریخ‌نویسی درباره‌ی زنان به معنای پدیده‌ای مدرن قیاس کرد. برای نمونه، در برخی از متون عرفانی و اولیا نامه‌های قدیم، فصلی درباهر زنان عارفه وجود دارد اما به آنان به عنوان زنانی استثنایی نگاه می شود که کارهای مردانه کرده‌اند و مردانه زیسته‌اند!  
در ادامه همین سنت بود که در روزگار جدید نیز کتاب‌هایی در شرح احوال زنان نامی و برجسته نوشته شد. کتاب‌هایی چون خیرات حسان، ترجمه و تالیف اعتمادالسلطنه و الدره البیضاء فی مشاهیرالنساء، نوشته عبدالعلی مورخ‌السلطنه را می‌توان به عنوان نمونه یاد کرد. نمونه‌های متاخر دیگر عبارتند از: زنان سخنور، نوشته علی‌اکبر مشیر سلیمی، کارنامه زنان مشهور ایران، نوشته فخری قئیمی، زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران تالیف پری شیخ‌الاسلامی.  
مطالعه رویکردهای موجود در تاریخ‌نگاری درباره زنان در ایران، بخش عمده مباحث این کتاب را دربر می‌گیرد. اهمیت شناخت این رویکردها که مبتنی بر منطق گفتمانی ویژه‌ای است و مسئله زنان را به گونه‌ای متفاوت از دیگری صورت‌بندی می‌کند، این است که به کار فهم وضعیت اکنون تاریخ‌نگاری درباره زنان در ایران خواهد آمد. چارچوب تحلیلی این نوشتار، برگرفته از روش «تبارشناسی» فوکو و نظریه «تحلیل جنسیتی» جون والاک اسکات، مورخ و نظریه‌‌پرداز پساساختارگرای آمریکایی است. مهم‌ترین مدعای این کتاب از این قرار است:  
«تاریخ‌نگاری»، بخشی از فرایند برساخت تاریخی است که گذشته را وضع می‌کند و هم‌زمان به آن مشروعیت می‌بخشد. بنابراین صرف پرداختن به زنان در تاریخ، برای آنچه تاریخ‌نگاری درباره زنان نامیده می‌شود، نه‌تنها نابسنده است، بلکه آن را در پیوست و حاشیه تاریخ‌نگاری جریان اصلی قرار می‌دهد. برون‌رفت از این وضعیت نیازمند نوعی چرخشی گفتمانی است که این بار مسائل را از زاویه مناسبات قدرت بنگرد و با افشای امتناع وضعیت مستقر، به تأسیس فهم نوینی از دانش تاریخی دست یازد.  
کتاب از سه فصل تشکیل شده است. آنچه میان این تقسیم‌بندی سه‌گانه مشترک است، توجه به چگونگی جاگیرشدن تاریخ‌نگاری به مثابه دانش، در شبکه مناسبات قدرت است و بر همین اساس، در آن تحلیل زمینه بر تحلیل متون تاریخی پیشی می‌گیرد. فصل نخست به این مسئله می‌پردازد که تاریخ‌نگاری درباره زنان در ایران در کدام بستر تاریخی شکل گرفت. تمرکز این فصل بر جریان‌ها و گفتمان‌های مسلطی است که صورت‌بندی خاص خود را از مسئله زنان به دست داده‌اند. از سوی دیگر نشان داده می‌شود که چگونه طرح مسئله زنان، به کار بازاندیشی در فکر تاریخی آمد و با تاریخ‌‌نگاری پیوند یافت.  
فصل دوم به این پرسش محوری می‌پردازد که تاریخ‌نگاری‌های موجود درباره زنان در ایران، نماینده چه رویکرد یا رویکردهایی است. فرض اساسی این پرسش این است که تاریخ‌نگاری عرصه‌ای گفتمانی است و تبارشناسی این گفتمان‌ها می‌تواند راهی به سوی فهم آنها باشد. افزون بر این از ضرورت نگریستن به این گفتمان‌ها در پیوند با مناسبات قدرت سخن می‌گوید. بر این اساس نشان می‌دهد که مسئله زنان در تاریخ‌نگاری، صرفاً زمانی معنادار می‌شود که درون یک مفصل‌بندی گفتمانی قرار گیرد.  
فصل سوم رویکردهای سه‌گانه در تاریخ‌نگاری درباره زنان را که شامل تاریخ شرح‌حال‌نگاری درباره زنان، تاریخ‌نگاری اجتماعی درباره زنان و سرانجام تاریخ‌نگاری مبتنی بر تحلیل جنسیتی است را مورد نقد و ارزیابی قرار می‌دهد. ضرورت نقد این رویکردهای سه‌گانه در پاسخ به این سؤال است که کدام یک از این رهیافت‌ها برای طرح مسئله زنان و جنسیت در تاریخ، سویه‌های روشن و ثمربخش‌تری دارد و به کار فهم وضعیت اکنون می‌آید. در پایان نیز جمع‌بندی مطالب آمده است. در بخش پیوست نیز کتابنامه و فهرستی از مراجع تاریخ‌نگاری درباره زنان در ایران آمده که می‌تواند فضای کلی حاکم بر عرصه تاریخ‌نگاری درباره زنان در ایران را به تصویر بکشد.  
کتاب «پیش‌درآمدی نظری بر نقد تاریخ‌نگاری درباره زنان: با نگاهی به آثار تاریخ‌نگارانه درباره زنان در ایران» تالیف سارا موسوی در 320 صفحه، شمارگان 500 نسخه و قیمت 79 هزار تومان از سوی انتشارات گل‌آذین منتشر شد.